



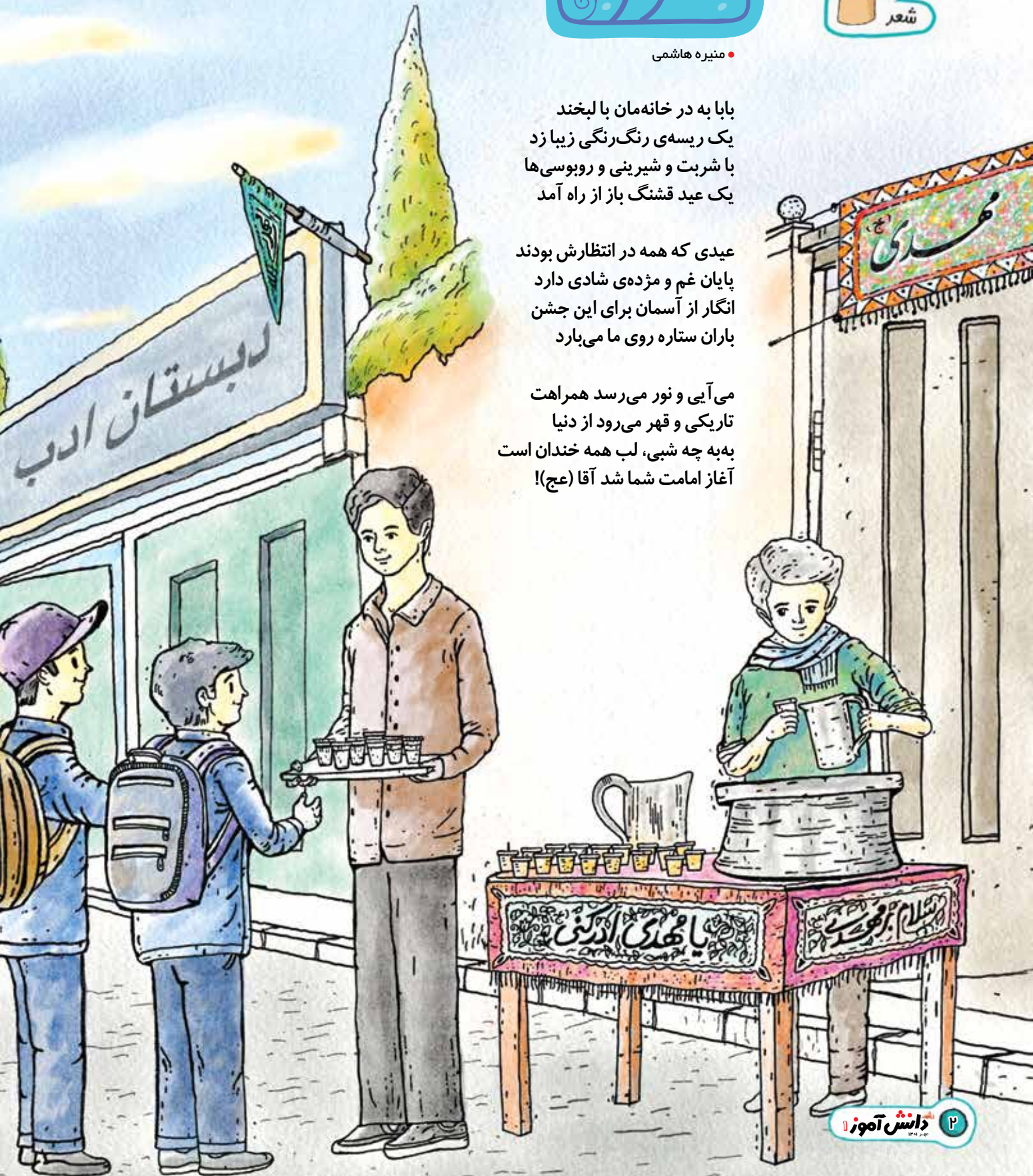
# جشن نور

• منیره هاشمی

بابا به در خانه مان با لبخند  
یک ریشه‌ی رنگ‌رنگی زیبا زد  
با شربت و شیرینی و روبوسی‌ها  
یک عید قشنگ باز از راه آمد

عیدی که همه در انتظارش بودند  
پایان غم و مژده‌ی شادی دارد  
انگار از آسمان برای این جشن  
باران ستاره روی ما می‌بارد

می‌آیی و نور می‌رسد همراهت  
تاریکی و قهر می‌رود از دنیا  
به‌به چه شبی، لب همه خندان است  
آغاز امامت شما شد آقا (عج)!



## جای گل

• عبدالرضا صمدی

باد دارد می‌رسد  
سِر زده از پشت کوه  
او گلی را چیده است  
از میان مشت کوه

کوه حق دارد اگر  
بر سرش غرغر کند  
با چه چیزی می‌شود  
جای گل را پر کند؟

گل فقط پر می‌کند  
جای گل را توی کوه  
کوه با گل می‌شود  
یک جهان باشکوه

## دوستی منیاه

• اکرم السادات هاشمی‌پور

باز بوی مدرسه  
بوی لحظه‌های شاد  
بوی مهر و آشتی  
کیف و دفتر و مداد

گرم بازی و نشاط  
گرم شور و خنده‌ایم  
توی کوچه‌های شوق  
عصرها پرنده‌ایم

مهر، ماه دوستی  
مهر، ماه مهربان  
شور خنده‌هایمان  
می‌رسد به آسمان

## صبحگاه دشت

• زهرا عراقی

باز یک یک می‌رسند  
هم کلاسی‌های من  
می‌نشینند آن طرف  
روی فرشی از چمن

پشت سر، دشتی قشنگ  
روبه‌رو تخته‌سیاه  
خنده‌مان پر می‌کند  
دشت را در صبحگاه

توی دست ماست باز  
دفتر و کیف و کتاب  
در کلاسی خوب و شاد  
زیر نور آفتاب

